

تکیه در زبان فارسی

نوشته و. ای. زاویالووا
ترجمه میترا بختیار

در تحقیقاتی که درباره زبان فارسی شده، هیچ اطلاعی در مورد تکیه در جمله وجود ندارد. در مورد تکیه واژه‌ها، همان‌طور که می‌دانیم، به جز چند کلمه‌ای که تکیه روی هجای اول آنها قرار می‌گیرد، مثل «اگر»، «مگر»، «ولی» و چند نشانه دستوری بدون تکیه (مانند نشانه کسره) اضافه *-e*، و پسواژه «را» و غیره) تکیه همیشه روی هجای آخر قرار می‌گیرد. علاوه بر این، در ماضی ساده (مطلق)، تکیه روی آخرین هجای بن فعل قرار می‌گیرد، و شناسه بدون تکیه می‌ماند. در فعلهایی که شکل ترکیبی دارند، تکیه روی صفت مفعولی قرار می‌گیرد و فعل کمکی بدون تکیه می‌ماند. پیشوندهای فعلی «می-*mi-*»، «*be-*» تکیه اضافی دارند.

وقتی سخنان ایرانیان را گوش می‌کنیم (بخش رادیویی، شعرخوانی و متنهای نثر) متوجه می‌شویم که تکیه واژه‌ها می‌تواند بنا به نقش دستوری واژه در جمله تغییر کند.^۱ در ادامه، مواردی را می‌آوریم که به ما اجازه می‌دهد نتیجه‌گیری کنیم که تکیه واژه وابسته به تکیه در جمله است.

۱. فرگوسن (Ch. Ferguson, "Word Stress in Persian", *Language*, vol. 33, 1957, No. 2) در بررسی تکیه در زبان فارسی، توجه ویژه‌ای به تکیه در کلمات منادا دارد، مشاهدات ما با مشاهدات وی مطابقت دارد، اما تفاوت نظر ما با وی در این است که ما تکیه در کلمات منادا را به عنوان تکیه واژه یا کلمه بررسی نمی‌کنیم، بلکه به صورت تکیه جمله یا عبارت آن را مطالعه می‌کنیم.

I

در واژه‌هایی که منادا واقع می‌شوند تکیه روی اولین هجا قرار می‌گیرد. این قاعده در قرائت متون نثر و نظم نیز رعایت می‌شود:

Šénavandegân-e aziz!	شِنوندگانِ عزیز!
márdom-e aziz-e Šowravi!	مَرَدَمِ عزیزِ شوروی!
dústân-e aziz!	دوستانِ عزیز!
báččehâ-ye aziz!	بچه‌های عزیز!
píšâhangân-e aziz	پیشاهنگانِ عزیز!
pésarak, pésarak!	پَسَرک، پَسَرک!
áfġânestân!	افغانستان
márdom-e bâstân! ^۱	مَرَدَمِ باستان!

همچنین در بیت‌های زیر:

ej bánafše! to, ey gól-e zibâ!	ای بنفشه! تو، ای گلِ زیبا!
gól-e mahbube žâle-ye šeydâ!	گلِ محبوبِ ژاله‌شیدا! (ژاله)
nabâyad hič gâh, ey rófaġâ,	نباید هیچ‌گاه ای رفقا
hattâ yek ân mahzun bâšim mâ!	حتی یک آن محزون باشیم ما (ریواخیچ)
ey čârdasâle pâlto-ye man	ای چهارده ساله پالتوی من
ey ráfte sar-e âstin-o dâman!	ای رفته سرآستین و دامن
ey ân ke be pošt-e ru rasidi,	ای آنکه به پشت‌ورو رسیدی
ġer xordi-o vasle pineidi!	جر خوردی و وصله پینه ایدی ^۲
ey ráfte be nâz-o âmade bâz,	ای رفته به ناز و آمده باز
sad bâr gerou-e dokân-e ^۳ razzâz!	صدبار، گرو دکان رزاز (افراشته)

این امر که تکیه روی هجای اول قرار می‌گیرد، در تلفظ دقیق مصوت‌های ناپایدار مثل: a و e

۱. در اینجا و در دیگر نمونه‌ها تنها تکیه در عبارات وجود دارد.

۲. ظاهراً وصله پینه دیدی

۳. اصل: dokkon-e

در کلمات: *pésarak, báččehâ, šénavandegân* و ... مشخص است.
در مثالهای مذکور، تکیه حالت ندا را مشخص و برجسته می‌کند، خواه عنصری که تکیه روی آن قرار گرفته یک کلمه باشد و خواه یک گروه کلمه. در نتیجه، در اینجا یک مورد ویژه تکیه در جمله را می‌بینیم.

اگر چند منادا در یک جمله وجود داشته باشد، هرکدام از آنها، یک تکیه روی هجای اول دارند:

با شما هستم، آهای کارگران، *bâ šomâ hastam, âhây kârgarân,*
بچه‌ها، زنها، مردان، پسران! (افراشته) *báččehâ, zânhâ, márdân, pésarân!*

باید در نظر داشت که در تمام موارد یادشده، منادا از واژه‌های بعدی با یک مکث جدا می‌شود. این بدین معنی نیست که این واژه‌ها، فاعل جمله هستند، بلکه به نظر می‌رسد که هدف جلب توجه شنونده به دنباله کلام است.

گاهی فاعل جمله بعد با منادا یکی می‌شود، اما چون منادا با یک مکث جدا می‌شود، تکیه می‌گیرد و تکیه روی هجای اول گروه قرار می‌گیرد:

šénavandegân-e gerâmi! tavadjjoh farmâyid ...

«شنوندگان گرامی! توجه فرمایید»

مثال از شعر:

ای بنفشه *ey bânafše!*
گل من، ای بنفشه زیبا! *gól-e man, ey bânafše-ye ziba!*
سر بیرون کرده‌ای زبرف، چرا؟ (ژاله) *sar birun karde-i ze barf, čerâ?*

اگر منادا با مکث جدا نشده باشد یا فاعل جمله قرار نگیرد، نوع دیگری از گروه را نشان می‌دهد:

šénavandegân-e gerâmi, tafsir-e mâ-râ estemâ[?] mifarmâyid.

شنوندگان گرامی، تفسیر ما را استماع می‌فرمایید.

منادا در اینجا، فاعل جمله است؛ به همین دلیل تکیه روی آخرین هجای ترکیب گروه اضافه‌ای [در اینجا: صفت] قرار می‌گیرد. همین گروه اضافه‌ای [موصوف و صفت] در نوع دیگری از جمله به گونه‌ای دیگر تلفظ می‌شود:

šénavandegân-e gerâmi! inak bepardâzim be paxš-e axbâr

شنوندگان گرامی! اینک بپردازیم به پخش اخبار.

در اینجا منادا، فاعل جمله نیست و به همین دلیل تکیه روی هجای اول آن قرار می‌گیرد.

II

بی‌شک می‌توان تکیه را با توجه به روش بالا، در کلمات معترضه و عباراتی که با آهنگی ادا می‌شوند که هدف از آن توجه به دنبالهٔ کلام است بررسی کرد.

در داستان «یک نمونهٔ جدید از کار نیک» نوشتهٔ احمد طباطبایی دربارهٔ یک پسرک گدا که خود را در یک میکه می‌یابد، میخواران به او وعدهٔ یک انعام یک ریالی به شرط نوشیدن ودکا می‌دهند. پسرک مدتها مقاومت می‌کند ولی سرانجام به این کار راضی می‌شود. در داستان چنین جمله‌ای وجود دارد:

âyebat, be havâ-ye gereftan-e pul dandân be jegar gozâšte çešm-e xod-râ
bar ham nehâd-o piyâle-ye aray-râ ... sar kešid.

«عاقبت به هوای گرفتن پول، دندان به جگر گذاشته، چشم خود را برهم نهاد و پیالهٔ عرق را ... سرکشید.»

در کلمهٔ «عاقبت» که می‌خواهد توجه ما را به تغییر وضعیت جلب کند، آهنگ قویتر است و خواننده آن را با تکیه بر هجای اول تلفظ می‌کند. اگر مطلب گفته شده، یک تغییر وضعیت را نسبت به مطلبی که پیش از آن آمده نشان بدهد، کلمات آغازین درست با همین شکل تکیه به کار می‌روند. مثلاً در رادیو می‌شنویم:

«بالاخره» bé-l-axare, «به ویژه» bé viže, «علاوه بر» âlâve bar, «اخیراً» âxiran, «مخصوصاً»
mâxsusan, «البته» âlbatte, «بدون شک» bé dun-e šakk, در کنار be-l-axaré, be vižé,
be dun-e šâkk, albatté, maxsusân, axirân, âlâve bar ín

III

آنچه در این بخش مورد بررسی قرار می‌گیرد، مربوط به تکیه در گزارهٔ جمله، خواه فعل و خواه اسم همراه با فعل ربطی در انواع جمله است.

محل تکیه در فعل ثابت نیست. هر فعلی می‌تواند در هجاهای مختلف تکیه پذیرد. محل

تکیه در افعال، به ترتیب هجاها بستگی ندارد، بلکه تابع ساخت صرفی فعل است. تکیه در فعل می‌تواند به ساختار نحوی جمله نیز ارتباط داشته باشد.

به طور کلی، در پایان جمله که آهنگ‌افتان می‌شود تکیه در افعال ساده بدون پیشوند روی بن فعل قرار می‌گیرد. در زمان حال و گذشته روی پیشوند فعلی یا روی علامت نفی قرار می‌گیرد، و در شکل‌های ترکیبی افعال روی هجای آخر صفت مفعولی یا روی بخش اسمی فعل ترکیبی قرار می‌گیرد.

این مطلب در مورد جملات ساده، جملات پایه‌ای که بعد از جمله پیرو می‌آیند و جمله‌های پیروی که بعد از جمله پایه می‌آیند صدق می‌کند.

ânhâ hame nou['] ajnâs-o mâl-ot-tejâre-ye vatani va xâreji dârand.

آنها همه نوع اجناس و مال‌التجاره وطنی و خارجی دارند.

to hamân-i ke hamiše didam-at? تو همانی که همیشه دیدمت؟

dišab az barâbar-e dokkân-e meyforuš-i mîgozaštam.

دیشب از برابر دکان می‌فروشی می‌گذشتم.

biyâyad ruz-i ke kešvar-e mâ ham az gedâyân-o ham az gedâparvarân-e sefle xâlî bâšad!

بباید روزی که کشور ما هم از گدایان و هم از گداپوران سفله خالی باشد!

dâstân-hâ-ye mazbur moured-e alâye-ye omumî mibâšad.

داستان‌های مزبور مورد علاقه عمومی می‌باشد.

man dobâre telefôn kardam, tašrif nádâštid va tasmîm gereftam bištar az in mozâhem-etân nâšavam.

من دوباره تلفن کردم، تشریف نداشتید و تصمیم گرفتم بیشتر از این مزاحمتان نشوم.

در جملاتی که آهنگ آخر آنها خیزان است، خواه در زمان حال و خواه در زمان گذشته، تکیه فعل روی شناسه قرار می‌گیرد، اما در شکل‌های ترکیبی، روی فعل کمکی و یا روی رابطه قرار می‌گیرد. چنین است مثلاً در آخر جمله پیروی که در میان جمله پایه قرار می‌گیرد، در بعضی از جملات که جمله پایه قبل از جمله پیرو قرار می‌گیرد و در بعضی از جملات به دنبال آنها حرف عطف *va* می‌آید.

be tour-i ke ĵarâyed-e Âmrika xabar midehând

به طوری که جراید امریکا خبر می‌دهند ...

rendân ke az tamâšâ-ye in hâlat lezzat mibordând, xande-râ sar dâdand.

رندان که از تماشای این حالت لذت می‌بردند، خنده را سر دادند.

har yek manzel-i ke se çahâr farsaxi bâšâd, asb va surçi aváz mišod.

هر یک منزلی که سه چهار فرسخی باشد، اسب و سورچی عوض می‌شد.

man dar Tehrân az hame čiz âsâr-e târîxi ke dar muzehâ-ye ân ĵam[?]âvâri šode âst, xoš-am âmad.

من در تهران از همه چیز آثار تاریخی که در موزه‌های آن جمع‌آوری شده است، خوشم آمد.

مثالهای بالا نشان‌دهندهٔ این است که تکیهٔ کلمه و جمله در زبان فارسی به بررسی عمیقتری نیاز دارد.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی